



عراقچی: لاروف درباره مذاکرات خودشان با آمریکا گزارش مفصلی به ما داد



سیاه کش

سفر نامه ابوموسی «شماره دو»

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه نگار

روز دوم، هنوز در خمیرم، جای شما خالی شب قبل شاورما خوردم، اینجا ستون آشپزی نیست اما رسم سفر نامه نوشتن حکم می کند هر چه دیده ام و شنیده ام را برایتان بنویسم، می نویسم که اگر گذرتان به این اطراف نیفتاد، لاقل بدانید در مملکت چه خبر است. شاورما در اصل یک غذای خیابانی اهالی خاورمیانه است. ظاهراً ریشه در آشپزی ترکی و عربی دارد. شاورما را با گوشت مرغ، گاو یا گوسفند می پزند. گوشتها را نازک برش می زنند و با ادویه جنوبی مزه دارش می کنند و به شکل عمودی به سیخ می کشند، در اصل سیخ را در خاک می گذارند و دورش آتش روشن می کنند. آتش که سرخ شد گوشت را مثال پروانه دور آتش می چرخاند تا آرام آرام به عشق آتش بپزد. امروز اما دیگر از این خبرها نیست و سیخ را در دستگاهی که به گاز شهری وصل است می گذارند تا با شعله آتش پخته شود. گوشت آبدار بعد از پخته شدن، دوباره نازک از روی سیخ بریده و در نان پیتا یا لواش پیچیده می شود. برای آنکه شاورما مزه دار شود گوجه، پیاز، فلفل دلمه، قارچ و... را رتقت می دهند و با سس سیر یا تاهینی ساندویچ پیچش می کنند. باری، شبی از شبهای زمستان در بندر خمیر در حیاط خانه ای قدیمی که ده اتاق دارد با یک لاپراهن نشستم و در کنار نشینن آوای خوش نی امیان و عود جای شما خالی شاورما خوردم. صبح روز دوم سوار می نی بوس به فاصله ۶۵ کیلومتری خمیر به روستای «نیمه کار» می رسیم. قرار است به آبشار سیاه کش برویم، می نی بوسی که ما را تا نیمه کار می رساند به نسبت تر و تمیز است اما در ورودی روستا می ایستد و سوار بر می نی بوس بنز زهور در رفتنهای می شویم تا به نزدیکی آبشار برسیم. من آدم ندید بیدی نیستم. لاقل به واسطه حرفه ام جاهایی دیده ام که کمتر کسی دیده، با این حال ایران پهناور و زیبا هر چند وقت یکبار برایم آبی رومی کند که دهانم از تعجب وای می ماند. سیاه کش یکی از همان آن هاست. در میان کوه های خشک و بی آب و علف ناگهان به رودخانه و چشمه هایی رسیدیم که حقیقتاً زیبایی اش را وصف نمی گنجد. بگر ماندن این منطقه باعث شده تا سیاه کش کمتر آلوده شود. با این همه در مسیر رسیدن به چشمه اصلی بقایای حضور انسان دویا خودنمایی می کرد و هر چند متر یکبار شیشه نوشیدنی و پلاستیک های باقیمانده از یکف و جیبس و قس علیهذا دیده می شد. در مورد اینکه چرا اسم این آبشار سیاه کش شده اقوال بسیاری بر زبان محلی ها بود اما ظاهراً در ایام قدیم روزی مردی سیاه رو در این چشمه تن به آب می زد و در نهایت روی آب می ماند و زنده بیرون نمی آید. محلی ها می گویند آب این چشمه که در زمستان نزدیک به ۵۰ درجه گرم دارد دویا آرتروز، رماتیسم، گرفتگی های عضلانی و... است. در روزهای آینده باز هم با شما از ایران می گویم.



پلیس اقتصادی که از کارشناسی هم بهر خوردار نیست، مبنای صدور رای در دادگاه انقلاب می شود و در دادگاه تجدیدنظر نیز تایید می شود. ضمن آنکه برخی از قضات هم به علوم جدید آشنا نیستند. اخیراً برای پرونده ای، پلیس امنیت اقتصادی ادله الکترونیکی ارائه کرده بود. به قاضی گفتیم: «ما قانون تجارت الکترونیک و جرایم سایبری داریم که روی اسنادپذیری ادله الکترونیک بحث شده است.» قاضی گفت: «من متوجه این موضوعاتی که می گویند نمی شوم.» قضات در این شرایط صرفاً روی گزارش ضابط رای صادر می کنند و متأسفانه رای قطعی می شود. این حرف آقای اژه ای بسیار درست، علمی و منطقی است. اما سازوکار اجرای آن وجود ندارد و هنوز پرونده هایی هستند که ضابطین تصمیم نهایی را می گیرند و گزارش ضابط بدون یک جابه جایی به قرار مجرمیت بازررس، کیفرخواست یا قرار جلب به دادرسی و رای تبدیل می شود و در تجدیدنظر هم تایید می شود. اژه ای از عدم تقابل وکلا و قوه قضائیه می گویند. آیا مرکز وکلا و کارشناسان قوه قضائیه در مقابل اسکودا راه اندازی شده است؟ علیزاده در پاسخ به این سوال بیان کرد: «در سال ۱۳۳۲ دکتتر مصدق لایحه استقلال کانون را به تصویب رساند که کانون وکلا مستقل از قوه قضائیه باشد. پیش از آن کانون وکلا بخشی از دستگاه قضایی کشور و دفتر آن در کاخ دادگستری واقع بود اما پس از این مصوبه تا قبل از انقلاب مستقل شد. از محدود لوايح دولت مصدق که بعد از کودتا به قانون تبدیل شد، لایحه استقلال وکلا بود. اما بعد از انقلاب برای مخدوش شدن این استقلال تلاش های بسیاری شد. اول قانون نظارت دادگاه انتظامی قضات بر انتخابات و بعد کانون ها تصویب شد و بعد تلاش کردند کانون وکلا را زیر مجموعه تشکیلات قضایی کنند، اما موفق نشدند و مرکز وکلا و مشاورین قوه قضائیه را تاسیس کردند که با قانون استقلال کانون در تعارض بود. پس از آن بحث این مرکز وکلا و کانون وکلا مطرح شد. این ادغام به معنای آن است که کانون وکلا پس از ۷۰ سال، از استقلال خود صرف نظر کرده و زیر نظر قوه قضائیه فعالیت کند.»

او در این باره خاطره ای نقل کرده و گفت: «آقای املی لاریجانی لایحه ای را در راستای اصلاح ساختار وکالت در قوه قضائیه تهیه کرده و به دولت احمدی نژاد ارجاع کرده بود. طبق این لایحه کانون وکلا زیرمجموعه قوه قضائیه قرار می گرفت. دولت آقای احمدی نژاد این لایحه را به مجلس نفرستاد. پس از شروع دولت آقای روحانی به عنوان عضو هیئت مدیره کانون با آقای انصاری، معاون پارلمانی ملاقاتی داشتم تا از ارسال آن جلوگیری کنم یا اصلاحاتی روی آن صورت گیرد. آقای انصاری گفت: «آقای روحانی حاضر نیست سر این موضوع با قوه قضائیه درگیر بشود.» به هیئت مدیره پیشنهاد کردم موضوع را با آقای هاشمی مطرح کنیم. در جلسه با آقای هاشمی به شوخی گفتیم: «آقای هاشمی در سال های اخیر دو محاکمه در منطقه انجام شده؛ محاکمه صدام و دیگری محاکمه حسنی مبارک، که حسنی مبارک یک وکیل فرانسوی مستقل گرفت و به پنج سال حبس محکوم شد. صدام خواست وکیل مستقل بگیرد، دادستان گفت: «آقای صدام امضای خود شما زیر این قانون است. کانون وکلا زیر نظر دستگاه عدلیه است.» صدام اجباراً وکیل وابسته گرفت و به اعدام محکوم شد. حالا مسئولین می خواهند با وکیل مستقل محاکمه بشوند یا وکیل وابسته به تشکیلات قضایی؟» آقای هاشمی خندید و گفت: «من معنی وکیل مستقل را می فهمم. حتی خدمت آقا رسیده بودیم ایشان گفتند: «شما نمی خواهید وکیل تان را عوض کنید؟» گفتیم: «چرا؟» گفتند: «هر روز قوه قضائیه شکایت می کند که آقای علیزاده طباطبایی از ما نمی ترسد.» گفتیم: «نظر شما این است که وکیل را عوض کنیم؟» آقا فرمودند: «نه، من نظری ندارم. ولی آنها خیلی اصرار دارند.» علیزاده طباطبایی تاکید کرد: «واقعیت این است که اگر وکیل مستقل باشد، از تهدید دستگاه های امنیتی، قضایی سیاسی، اداری و... وحشتی ندارد. متأسفانه با ایجاد مرکز وکلا خواستند این استقلال را بگیرند و وکلا را وابسته به تشکیلات قضایی کنند که خوشبختانه تاکنون این اتفاق نیفتاده است. در آن زمان با تلاش های مرحوم آیت الله هاشمی وصحبتی که با آقای روحانی کرد، لایحه از مجلس برگشت و در دولت و کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اصلاحات زیادی روی آن انجام شد، اما هنوز هم به سرانجام و سامان نرسیده است. استقلال وکلا و قرار گرفتن کانون و مرکز وکلا زیر مجموعه تشکیلات قضایی، به معنای برگشتن به ۷۰ سال پیش است.»

فرهنگی تقویت شود. فتحی شقایی، دبیرکل اسبق جهاد اسلامی در جریان سفر به ایران به من گفت «اگر می خواهید به مسلمانان و فلسطین کمک کنید اول باید خودتان قوی و مستحکم باشید. حتی اگر استحکام ایران دچار مشکل می شود به ما کمک نکنید. اگر ایران نباشد مقاومت فلسطین و لبنان هم نخواهد بود. باید خودتان را به عنوان اولویت همیشه مدنظر قرار دهید.» کمک به مسلمانان جهان هم بعد از توانمندی و قدرت ایران ممکن خواهد بود.»

▼ اگر شرایط مذاکره واقعی فراهم شود، مذاکره می کنیم مسئله مذاکره یا عدم مذاکره، روز گذشته مورد توجه سیدکمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی نیز قرار گرفت. خرازی درباره مباحث مطرح شده در مورد مذاکره با ترامپ در شرایط اعمال فشار حداکثری و اعمال تحریم های جدید گفت: «در حال حاضر، چاره ای جز صبر حداکثری نیست. مگر اینکه شرایطی فراهم شود که طرف مقابل نیز تمایلی به مذاکره واقعی و نه تحمکی نشان دهد که در حال حاضر اینطور نیست و فضا کاملاً یک طرفه است. روش آقای ترامپ این است که یک طرفه تحکم کند و انتظار داشته باشد دیگران فقط دستور او را گوش کنند. این رویکرد را حتی امروز در مورد اروپا هم شاهد هستیم اما این شیوه با روحیه ایرانیان و انقلابیون سازگار نیست.» او با بیان اینکه آنها باید آمادگی خود را برای مذاکره بر اساس احترام متقابل و اصل برابری نشان دهند، گفت: «در آن صورت، مذاکره امکان پذیر خواهد بود؛ اما در حال حاضر، شرایط برای مذاکره با آمریکا مهیا نیست.» خرازی با بیان اینکه باید ابتدا شرایط مذاکره واقعی فراهم شود، ادامه داد: «ما از مذاکره فراری نیستیم؛ چرا که پیش تر نیز بارها مذاکره کرده ایم اما با روحیه انقلابی و ایرانی ما سازگار نیست که در برابر زیاده خواهی ها و تحکم دیگران کوتاه بایسیم.»

ایشان درست است. او با اشاره به اینکه ما در قوه قضائیه حفاظت اطلاعات داریم، بیان کرد: «این بخش باید از اشخاص و اطلاعات حفاظت کند و در نظارت خود اگر متوجه شدند یک قاضی مسیر کجی می رود، مسیرش را اصلاح کنند نه اینکه او را هل دهند تا قعر دره بیفتند.» علیزاده طباطبایی با بیان اینکه متأسفانه در حال حاضر زمینه برای فساد مهیاست، گفت: «به ویژه در دستگاه قضایی و برخی از کارمندی که ۱۵ میلیون تومان حقوق می گیرند. وقتی حقوق قاضی دیوان عالی کشور یا ۴۰ سال سابقه کار کفاف اجاره یک آپارتمان ۱۰۰ متری در تهران را نمی دهد از هر صد نفر، یکی دچار خطا شد نباید با شدیدترین وجهه با او برخورد شود، بلکه باید برای اصلاح مسیر سعی کنند. وقتی زمینه فساد در تشکیلات قضایی فراهم باشد، وکیل هم فاسد می شود. اگر فساد وجود نداشته باشد، زمینه فساد از سوی وکیل فراهم نیست.»

او با اشاره به لزوم حذف زمینه های فساد تاکید کرد: «البته حذف زمینه ها کار سختی است اما یکی از وظایف اصلی قوه قضائیه طبق قانون، پیشگیری از وقوع جرم است. اما متأسفانه ایزراه های پیشگیری مانند ایزراه های آموزشی، فرهنگی و تبلیغی در اختیار قوه قضائیه نیست. از سوی دیگر اعتقاد راسخی برای پیشگیری هم وجود نداشته؛ به همین دلیل کار جدی در این حوزه صورت نگرفته است. اما حرف آقای اژه ای درست است اما در عمل هیچ موفقیتی نداشته است. حقوقدان ها می گویند مجازات آخرین ابزار است ولی به عنوان اولیه ابزار از آن استفاده می شود. به عنوان مثال سال ۹۲ نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است اما قضات اعتقاد چندانی به این نهادها ندارند و توجهی به تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و... ندارند.» این وکیل پایه یک دادگستری در پاسخ به این سوال که وکلا اجازه کمک به روشن شدن حقایق را دارند و از سطح برابر با ضابطین برخوردارند؟ گفت: «متأسفانه به ویژه در پرونده های سیاسی و امنیتی، گزارش ضابطین حجت است و قضات استدلال وکلا را نمی پذیرند که این روند اشتباه است. وکیل طبق قانون حقوقدانی است همتر از قاضی که می خواهد با استدلال، منطق و ارائه اسناد و مدارک، قاضی را روشن کند تا در یک فضای واضح و روشن تصمیم بگیرد. متأسفانه این موضوع به ویژه در قضات جوان مورد توجه نیست. حتی من بازرسی را دیدم که به خواندن لایحه وکلا افتخار می کرد. متأسفانه نظارتی هم بر این مشکل وجود ندارد. آقای اژه ای ابتدای انقلاب در تشکیلات قضایی حضور داشتند. تقریباً پیش از ۹۹ درصد قضات بعد از بازنگری از کانون وکلا پروانه می گیرند تا به وکالت بپردازند. این حجم تجربه و دانش تاکنون مورد بهره برداری قرار نگرفته و آقای اژه ای تاکید کرد که سازوکارهای استفاده از این تجربه فراهم شود.»

علیزاده طباطبایی با اشاره به اینکه اگر این اتفاق بیفتد خیلی خوب می شود، افزود: «نزدیک به ۲۰ هزار نفر وکیل داریم و وکلای جوان برای تأمین حداقل معاش با مشکل مواجه هستند. طبق بخشنامه مرحوم آیت الله شاهرودی؛ حضور وکیل در دعاوی حقوقی الزامی شد. اما صادق املی لاریجانی این بخشنامه را لغو کرد. آقای اژه ای برای همکاری جدی با وکلا این بخشنامه را دوباره ابلاغ کنند. ۲۰ میلیون پرونده ای که در گردش است، حداقل سه مرحله بازرسی، دادگاه بدوی و تجدیدنظر با دادگاه بدوی، تجدیدنظر و فرجام خواهی دارد. در حقیقت ۶۰ میلیون پرونده وجود دارد که تنها در رسیدگی ۳ درصد از پرونده ها (۲ میلیون پرونده) وکیل حضور دارد. از سوی دیگر الزام حضور وکیل در پرونده ها کمک به دستگاه قضایی است. از سوی دیگر در کانون وکلا نیز سازوکاری پیش بینی شود تا پرونده ها به تمام وکلا برسد. در حال حاضر وکلای زیادی (به ویژه وکلای جوان) در سال یکی، دو پرونده هم ندارند.»

پیش از این آقای اژه ای دستور داده بود که قضات بر اساس تشخیص خود عمل کنند نه ضابطین. علیزاده طباطبایی در پاسخ به این سوال که این دستور در حال حاضر در قوه قضائیه به اجرا رسیده است؟ گفت: «آقای اژه ای زمانی خود ضابط وزیر اطلاعات بوده و می دانند که حرف اول و آخر ضابط می زند، در حالی که اعتبار اظهارات ضابط در حد یک کارمند دولت است و باید برای اظهارات خود مستنداتی به دادگاه ارائه کند. اما عمدتاً در پرونده های امنیتی تنها مستنداتی که وجود دارد ادعای ضابط و البته اظهارات متهمین در طول بازجویی است که بعضاً متهمین مدعی هستند این اعترافات تحت فشار گرفته شده و در دادگاه آن اظهارات را تکذیب می کنند اما دادگاه این موضوع را نمی پذیرد و اعلام می کند که «شما در بازجویی توسط وزارت اطلاعات اقرار کرده اید.» آقای اژه ای به این موضوعات به درستی اشاره می کنند اما باید سازوکاری برای اجرای آن هم پیش بینی شود.»

این وکیل دادگستری افزود: «این موضوع مختص به پرونده های امنیتی نیست، بلکه در پرونده های اقتصادی هم این اتفاق می افتد. بعضاً گزارش

که برای مذاکره با آمریکا می رود، راجع به عراق این اصول را مراعات کند. مگر در برجام با ارشادات مقام معظم رهبری مذاکره نکردیم؟ مذاکره که اشکال ندارد. مذاکره شرایطی دارد، ممکن است امروز شرایط مهیا نباشد و فردا باشد. چرا یقه هم را می گیریم؟ چرا به صورت هم جنگ می زنیم؟ این چه بساطی است در کشور درست کرده ایم؟»

او با بیان اینکه نباید بگذاریم اصل انقلاب، یعنی استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی دچار آسیب شود، افزود: «در شرایط فعلی اگر کسی نتواند حرف بزند و نظرش را اعلام کند، آزادی وجود دارد؟ صدواسیما در اختیار ملت نیست، در اختیار یک جناح و گروه هم نیست، در اختیار یک گروهک است، آیا آزادی وجود دارد؟ اگر حاکمیت ملی نباشد، استقلال هم نیست. اگر یک جناح اقلیت حاکم باشد استقلال نیست، چون حاکمیت ملی نیست، تا این را حل نکنیم استقلال و آزادی تأمین نمی شود. با ۴۰ درصد مشارکت، جمهوری ایجاد نمی شود؛ از نظر اسلامیت هم این وضع اخلاق و رفتار ما در جامعه است.»

روحانی به مشکلات اقتصادی کشور اشاره کرد و گفت: «با خروج ترامپ از برجام در سال ۹۷، هر سال حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار ضرر کردیم، می توانیم این ضرر را جبران و مسئله اقتصاد را حل کنیم؟ اقتصاد کشور بدون تعامل سازنده با جهان، جذب سرمایه و تکنولوژی مدرن و دستیابی به بازار احیا نخواهد شد. مردم در فشار شدید اقتصادی هستند، دیگر ظاهر آکسی مطالبه توسعه نمی کنند. کسی از دولت مطالبه رشد اقتصاد ۸ درصدی نمی کند. تنها زمانی که رشد بالای ۸ درصد داشتیم، در دو سال اجرای برجام بود. در سال های ۹۵ و ۹۶ به طور متوسط ۹/۴ درصد رشد اقتصادی داشتیم. در این دو سال تورم هم تکرقمی بود.»

رئیس دولت تدبیر و امید افزود: «بار سنگینی بر دوش ماست، هر جا می توانیم باید به نظام کمک کنیم تا امنیت ملی، اجتماعی، اقتصادی و